

تحول ویژگی‌های روانشناختی از منظر راهبردهای تاریخچه زندگی

Evolution of Psychological Traits Based on Life History Strategies

Davoud Ezzati *

Ph.D student, Faculty of educational science and Psychology, University of Tabriz

Dr. Abbas Bakhshipour Roudsari

Professor, Faculty of educational science and Psychology, University of Tabriz

Dr. Touraj Hashemi NosratAbad

Professor, Faculty of educational science and Psychology, University of Tabriz

Samira Ghazanfariyanpour

Ph.D student, Faculty of educational science and Psychology, University of Tabriz

داود عزتی (نویسنده مسئول)

دانشجوی دکتری، گروه روانشناسی، دانشگاه تبریز

دکتر عباس بخشی پور رودسری

استاد، گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تبریز

دکتر تورج هاشمی نصرت آباد

استاد، گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تبریز

سمیرا غضنفریان پور

دانشجوی دکتری، گروه روانشناسی، دانشگاه تبریز

Abstract

Evolutionary approaches to psychopathology have progressed dramatically in recent years. In present paper, a general framework for the evolutionary analysis of psychological features is presented based on the strategies of life history theory. The present analysis focuses on the fast-slow strategies of life history and shows that individual differences in these strategies are effective in the formation of personality features and mental disorders. Also, four main pathways leading to mental disorders are mentioned.

Key words: life history theory, fast-slow strategies, psychological traits.

چکیده

رویکردهای تکاملی در زمینه آسیب‌شناسی روانی در سالیان اخیر پیشرفت چشمگیری داشته است. در مقاله حاضر، یک چارچوب کلی برای تجزیه و تحلیل تکاملی ویژگی‌های روانشناختی براساس راهبردهای نظریه تاریخچه زندگی ارائه شده است. تحلیل حاضر، بر راهبردهای سریع و آهسته تاریخچه زندگی تمرکز دارد و نشان می‌دهد که تفاوت‌های فردی در این راهبردها، در شکل‌گیری ویژگی‌های شخصیتی و انواع اختلالات روانی موثر است. همچنین، به چهار مسیر اصلی سببی که منجر به بروز اختلالات روانی می‌شوند، اشاره شده است.

واژگان کلیدی: نظریه تاریخچه زندگی، راهبردهای سریع-آهسته،

ویژگی‌های روانشناختی

ویرایش نهایی: مهر ۹۸

پذیرش: مرداد ۹۷

دریافت: تیر ۹۷

نوع مقاله: مروری سیستماتیک

مقدمه

سالیان اخیر، شاهد تلاش‌های برجسته‌ای در مورد استفاده از نظریه‌های تکاملی در مورد آسیب‌شناسی روانی بوده است (مک‌گیره و تروسی، ۱۹۹۸). نظریه تاریخچه زندگی^۱ به عنوان یکی از این نظریه‌ها، دیدگاهی زیستی-تکاملی است که تنوع راهبردهای زندگی^۲ ارگانیزم‌های مختلف را مطالعه می‌کند، و برای توضیح علل و نتایج تغییرات در چرخه زندگی^۳ آنها طراحی شده است و علاوه بر این، به دنبال توضیح جنبه‌های آناتومی و رفتار ارگانیزم‌ها بر اساس شیوه زندگی آنها، مانند رشد و رفتارهای باروری، طول عمر و رفتارهای پس از تولد، به وسیله انتخاب طبیعی می‌باشد (فلت و هیلند^۴، ۲۰۱۱).

همه ارگانیزم‌ها زنجیره مشخصی در رشد خود دارند، که از دوره جنینی شروع می‌شود و با مرگ پایان می‌یابد، که به عنوان چرخه زندگی شناخته می‌شود (آلستروم^۵، ۲۰۱۱). چرخه زندگی به دو مرحله عمده تقسیم می‌شود: رشد و تولید مثل. این دو در یک

¹ life history theory

² life strategies

³ life cycle

⁴Flatt & Heyland

⁵ Ahlström

زمان اتفاق نمی‌افتند، چون وقتی تولید مثل آغاز می‌شود، رشد به پایان می‌رسد (پرستون، کربنگلباخ و ناتسون^۱، ۲۰۱۴). این تغییر مهم است، زیرا می‌تواند بر سایر جنبه‌های زندگی یک موجود زنده، نظیر تشکیل گروه یا تعاملات اجتماعی آن تأثیر بگذارد (بولگر^۲، ۲۰۱۲). رویدادهای بین دوره جنینی تا مرگ، معمولاً شامل تولد، دوران کودکی، بلوغ، تولید مثل و پیری می‌شوند که با هم راهبردهای زندگی ارگانیزم را تشکیل می‌دهند. به عبارتی، راهبردهای تاریخچه زندگی، الگوهای خاص سن و مرحله و زمان‌بندی وقایع است که زندگی یک موجود زنده را تشکیل می‌دهند (آلستروم، ۲۰۱۱). راهبردهای تاریخچه زندگی، همبستگی زیادی با فیزیولوژی و رفتار ارگانیزم دارد و به عنوان فنوتایپ‌های عملکردی پیچیده، از یکپارچه‌سازی مجموعه‌ای از ویژگی‌های مورفولوژیکی، فیزیولوژیکی و رفتاری به دست آمده است (براندل^۳ و همکاران، ۲۰۱۱).

نظریه تاریخچه زندگی و پیوستار سریع - آهسته

تفاوت‌های موجود در راهبردهای زندگی در در بین گونه‌ها و درون گونه‌ها، الگوی کلی توزیع صفات را نشان می‌دهد. تولید مثل دیر هنگام و رشد آهسته، با طول عمر طولانی، سرمایه‌گذاری بالای والدین، کیفیت زندگی بالا و مرگ و میر پایین ارتباط دارد. برعکس، رشد سریع و تولید مثل زود هنگام، با مرگ و میر بالا، طول عمر کوتاه، تعداد بیشتر فرزندان و کاهش سرمایه‌گذاری والدین مرتبط است. این موضوع به عنوان پیوستار سریع - آهسته^۴ از تنوع در تاریخچه زندگی اشاره دارد (ساتر^۵، ۱۹۸۷).

پیوستار سریع - آهسته، پیامدهای عمیقی برای سازماندهی رفتار دارد. طول عمر کوتاه، مرگ و میر بالاتر و تولید مثل زود هنگام، مزایای زیادی در کوتاه مدت دارد و بالعکس. رفتار آینده‌گرا فقط در زمینه راهبردهای آهسته سودمند است. ارگانیزم‌هایی که در زمینه بازتولید آینده سرمایه‌گذاری می‌کنند، باید شانس خود را برای زنده ماندن و حفظ سلامتی به حداکثر برسانند که این از طریق خطرپذیری، یعنی اجتناب از پاداش‌های متغیر به نفع نتایج مطمئن‌تر به دست می‌آید (ولف، فان دورن، لیمار و ویسینگ^۶، ۲۰۰۷).

در گونه‌هایی که زندگی اجتماعی پیچیده‌ای دارند، پیوندهای سریع - آهسته با خطرپذیری گسترش می‌یابد و شامل همکاری و پیوند متقابل می‌شود و مزایای آن در درازمدت مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این حالت نیازهای فوری، رفتارهای خصمانه و استثمارگرانه که دارای مزایای کوتاه مدت هستند اما امکان آسیب درازمدت را به همراه دارند، به کنار گذاشته می‌شوند (دل جودیچه^۷، ۲۰۱۴).

راهبردهای تاریخچه زندگی و تفاوت‌های فردی در انسانها

تفاوت‌های فردی در راهبردهای تاریخچه زندگی، به ویژه در کنار تغییرات سریع - آهسته زندگی، از عوامل به وجود آمدن اختلالات روانی است (دل جودیچه، ۲۰۱۴). راهبردهای سریع توسط تجربه شرایط سخت و غیر قابل پیش‌بینی به وجود می‌آید که به نظر می‌رسد دلبستگی ناایمن، یک میانجی روانشناختی مهم در این مورد باشد (کوپینگ، کمپل و مانسر^۸، ۲۰۱۳).

تعدادی از مطالعات تجربی، وجود ارتباط بین سبک فرزندپروری مستبدانه و دلبستگی ناایمن را با بلوغ زودرس (به ویژه در دختران)، روابط جنسی گذرا و روابط زن و شوهری ناپایدار تأیید کرده‌اند (بلسکی^۹، ۲۰۱۲ و دل جودیچه، ۲۰۱۴). همچنین متغیرهایی مانند تکانشگری، بچه‌دار شدن در سنین پایین و امید به زندگی کم، همبستگی بالایی با افزایش خطرپذیری، کاهش همکاری‌های اجتماعی، رفتارهای ضداجتماعی و روابط جنسی با شرکای جنسی متعدد دارند (بوروسکی، آپرلند و رسنیک^{۱۰}، ۲۰۰۹). بر این اساس، وجود والدین خشن، روابط خانوادگی متعارض و دلبستگی ناایمن می‌تواند به بلوغ زودرس جنسی، تکانشگری، کاهش همکاری و روابط بین فردی استثمارگرانه منجر شود که این موضوع می‌تواند با راهبرد تاریخچه زندگی سریع همبستگی داشته باشد (بلسکی، ۲۰۱۲ و دل جودیچه، ۲۰۱۴). بنابراین، نتایج مطالعات مذکور از وجود یک پیوستار سریع - آهسته در طیف گسترده‌ای از تفاوت‌های فردی حمایت می‌کند (دل جودیچه، ۲۰۱۴).

¹ Preston, Kringelbach & Knutson

² Bolger

³ Braendle

⁴ fast-slow continuum

⁵ Sæther

⁶ Wolf, Van Dorn, Leimar & Weissing

⁷ Del Giudice

⁸ Copping, Campbell & Muncer

⁹ Belsky

¹⁰ Borowsky, Ireland & Resnick

از طرفی، تعدادی از صفات روانشناختی وجود دارد که منعکس‌کننده راهبرد تاریخچه زندگی آهسته است. این صفات شامل روابط متقابل و ایمن با افراد، کاهش تمایل به روابط جنسی گذرا و آزاد، دوراندیشی و پایداری، مسئولیت‌پذیری، نوعدوستی و اجتماعی بودن می‌باشد (فیگوردو، کابزا، باکا و وودلی^۱، ۲۰۱۲).

نظریه تاریخچه زندگی بر اساس پیوستار سریع- آهسته بیان می‌کند که راهبردهای آهسته، سرمایه‌گذاری و رضایت بالا در روابط بلندمدت عاشقانه، وفاداری به افراد نزدیک و صمیمی و همچنین سطح پایین پرخاشگری و انحرافات اجتماعی را پیش‌بینی می‌کند (فیگوردو، گلادن^۲ و بک^۳، ۲۰۱۲).

راهبردهای تاریخچه زندگی و صفات شخصیتی

صفات شخصیتی، ارتباطی قوی و قابل پیش‌بینی با پیوستار سریع- آهسته دارند. بر اساس مدل پنج عاملی شخصیت، همبستگی بالایی بین وظیفه‌شناسی و توافق، با شاخص‌های راهبرد آهسته مانند روابط پایدار بین‌فردی، رفتارهای کم‌خطر و روابط جنسی کنترل شده وجود دارد (دل‌جودیچه، ۲۰۱۲). علاوه بر این، وظیفه‌شناسی به دلیل موثر بودن در رفتارهای سالم، پیش‌بین معتبری برای طول عمر زیاد است (چاپمن و گلدبرگ^۴، ۲۰۱۱). وظیفه‌شناسی، توافق و پایداری هیجانی یک ابرصفت به نام آلفا^۵ یا ثبات را شکل می‌دهد که بر اساس راهبرد آهسته، برعکس تکانشگری می‌باشد (دی‌یانگ^۶، ۲۰۰۶ و ۲۰۱۱).

برخلاف صفاتی مانند توافق و وظیفه‌شناسی، صفاتی مانند برون‌گرایی، گشودگی به تجربه و روان‌رنجورخویی، با روابط جنسی گذرا، خطرپذیری بالا، روابط ناپایدار بین فردی و رفتارهای پرخاشگرانه و ضداجتماعی رابطه دارد (دل‌جودیچه، ۲۰۱۲). هرچند که بر اساس نظریه تاریخچه زندگی، صفات برون‌گرایی و گشودگی به تجربه، ترکیبی از هر دو پیوستار سریع- آهسته هستند. به عنوان مثال، بعضی از جنبه‌های برون‌گرایی شامل ملایمت و داشتن روابط نزدیک است در حالیکه، بعضی دیگر از جنبه‌های آن شامل تسلط‌گرایی و هیجان‌خواهی می‌باشد (لوکاس، دینر، گراب، سا و شائو^۷، ۲۰۰۰)، که این موارد اخیر با راهبردهای سریع زندگی مرتبط است. بنابراین، برون‌گرایی، هم با جهت‌گیری جنسی گذرا و هم با جهت‌گیری جنسی پایدار همبستگی دارد (هولتزمن و استراب^۸، ۲۰۱۳). به طور مشابهی، گشودگی به تجربه دارای دو جنبه اصلی کنجکاوی ذهنی و تخیل است (نتل^۹، ۲۰۱۱). تخیل با اسکیزوتایپی مثبت همبستگی دارد و این موضوع را پیش‌بینی می‌کند که فرد، تعهد کمتری در روابط بلند مدت و تعداد بیشتری شرکای جنسی دارد (نتل و کلگ^{۱۰}، ۲۰۰۶).

برون‌گرایی و گشودگی به تجربه، ابرصفتی دیگر به نام بتا^{۱۱} یا انعطاف‌پذیری را شکل می‌دهد که پیش‌بینی‌کننده هیجان‌خواهی و ضعف در خودکنترلی می‌باشد (دی‌یانگ، ۲۰۱۱). با توجه به اینکه برون‌گرایی و گشودگی به تجربه، شامل هر دو راهبرد سریع- آهسته می‌باشد، بنابراین ابرصفت بتا نمی‌تواند فقط با راهبرد سریع تاریخچه زندگی مرتبط شود (دل‌جودیچه، ۲۰۱۲).

حتی در یک سطح انتزاعی‌تر، می‌توان یک عامل کلی شخصیتی^{۱۲} (GFP) را شناسایی کرد که با تاریخچه زندگی آهسته و سرمایه‌گذاری بالای والدینی همبستگی دارد (راشتون، بونز و هار^{۱۳}، ۲۰۰۸). از طرفی، GFP هم با آلفا و هم با بتا همبستگی مثبت دارد. با این حال، در مورد اینکه آیا GFP یک سازه روش‌شناختی است یا یک ویژگی واقعی شخصیتی، هنوز هیچ توافقی وجود ندارد (جاست^{۱۴}، ۲۰۱۱).

راهبردهای تاریخچه زندگی و اختلالات روانی

آسیب‌شناسی تکاملی^{۱۵}، به معنی کاربرد نظریه تکاملی در مورد علت‌شناسی، تحول و طبقه‌بندی اختلالات روانی است که با تلفیق دیدگاه‌های روانشناختی و پزشکی، درک تازه‌ای از توابع تکاملی فرآیندهای ذهنی و زیرساخت‌های عصبی آنها به وجود آورده است. با اینکه

¹ Figueredo, Cabeza, Baca & Woodley

² Gladden

³ Beck

⁴ Chapman & Goldberg

⁵ alpha

⁶ De Young

⁷ Lucas, Deiner, Grob, Suh & Shao

⁸ Holtzman & Strube

⁹ Nettle

¹⁰ Clegg

¹¹ beta

¹² General Factor of Personality

¹³ Rushton, Bons & Hur

¹⁴ Just

¹⁵ evolutionary psychopathology

این رویکرد پیشرفت‌هایی تجربی در مورد دلایل اختلالات فردی به دست آورده است، اما هنوز آنقدر سازمان یافته نیست که قادر به توضیح چگونگی اختلالات مرتبط با هم و گستره غیربالینی تفاوت‌های فردی در شخصیت و رفتار باشد (دل جودیچه، ۲۰۱۴).

انتظار می‌رود که تفاوت‌های فردی در راهبردهای تاریخچه زندگی، این تفاوت‌ها را در نیمرخ‌های پرخطر برای طیف وسیعی از اختلالات روانی تعیین کند. با حرکت در پیوستار سریع-آهسته تاریخچه زندگی، احتمال وقوع برخی از اختلالات و علائم بیشتر می‌شود، در حالیکه اختلالات و علائم دیگر، احتمال کمتری دارد که رخ بدهد. این موضوع مبنای کارکردی برای تمایز بین طیف سریع و آهسته اختلالات روانی است، یعنی اختلالاتی که در انتهای پیوستار سریع یا آهسته تاریخچه زندگی قرار دارند (دل جودیچه، ۲۰۱۴).

ایده کلی این است که شکل‌گیری صفات مربوط به تاریخچه زندگی، ممکن است احتمال ایجاد یک اختلال خاص یا خوشه‌ای از اختلالات را افزایش دهد، اما این موضوع اغلب در تعامل با عوامل دیگر از جمله انحرافات رشدی، جهش‌های ژنتیکی و اختلالات عصبی، عفونتها، محرومیت‌های غذایی و عوامل استرس‌زای روانی-اجتماعی می‌باشد. بنابراین، توانایی نظریه تاریخچه زندگی در ادغام این فرایندها در یک چارچوب مشترک می‌باشد، که البته این موضوع نیازمند فهم الگوهای همبستگی می‌باشد (دل جودیچه، ۲۰۱۴).

دیدگاه تاریخچه زندگی به آسیب‌شناسی روانی، تقریباً به پیوستار سریع-آهسته متمرکز شده است. بر اساس این دیدگاه، راهبردهای سریع به خاطر پیامدهای ناسازگار صفات مرتبط با تاریخچه زندگی و یا راهبردهای رفتاری بالقوه سازگار اما نامطلوب، با انواع اختلالات روانی مرتبط است (بار و کوینزی^۱، ۲۰۰۴)، در حالیکه، اکثر مدل‌های فعلی نتوانسته‌اند نقش بالقوه راهبردهای آهسته را در مورد اختلالات روانی مورد توجه قرار دهند (دل جودیچه، آنجلری، بریزو و الن^۲، ۲۰۱۰).

اگرچه هزینه‌های مرتبط با راهبردهای سریع ممکن است چشمگیر به نظر برسند، اما هزینه‌های مرتبط با راهبردهای آهسته هم به همان اندازه برای پویایی‌های تکاملی اهمیت دارند. مطابق با دیدگاه نظریه تاریخچه زندگی به آسیب‌شناسی روانی، این اشتباه است که با کاهش هزینه‌های بالقوه خود در رابطه با سازگاری زیستی و سلامت روانی، راهبردهای آهسته را به طور ایده‌آل انجام دهید (دل جودیچه، ۲۰۱۴).

جهت‌گیری آتی و کنترل‌بازداری را به عنوان دو همبسته اصلی روانشناختی مرتبط با راهبردهای آهسته در نظر بگیرید؛ افرادی که در بالای این پیوستار قرار دارند، به ناچار کمتر قادر به استفاده از فرصت‌های غیرمنتظره کنونی هستند و ممکن است برای تطابق با شرایط جدید یا در حال تغییر مشکل پیدا بکنند (دیکمن^۳، ۱۹۹۰). به عنوان مثال، توانایی به تعویق انداختن عواطف، یک جنبه رفتاری کلیدی از راهبردهای آهسته می‌باشد که با بازداری زیاد، ولی با توانایی تغییر کم همراه است (مییک و فریدمن^۴، ۲۰۱۲). با این حال، اگر انگیزه‌های فوری با توجه به پاداش‌های آینده سرکوب شوند، این خطر غیرقابل اجتناب وجود خواهد داشت که پاداش‌های آینده هرگز تحقق نیابد (دی یانگ، پترسون و هیگینز^۵، ۲۰۰۲).

کنترل‌بازداری به عنوان همبسته مرتبط با راهبردهای آهسته، جایگاهی مرکزی در شبکه صفات مرتبط با تاریخچه زندگی دارد. نظارت دقیق بر رفتار به منظور درگیر شدن در روابط بلندمدت و فعالیت‌های اجتماعی و اجتناب از روابط جنسی گذرا و خطرات فوری، ضروری می‌باشد (رینولدز، اورتنگرن، ریچاردز و دی ویت^۶، ۲۰۰۶). با اینکه کنترل‌بازداری می‌تواند مشارکت، همدلی و حس وفاداری نسبت به همسر و یا دوست صمیمی را پیش‌بینی کند (هانسن^۷، ۲۰۱۱ و پرونک، کارمانس و ویگبولدوس^۸، ۲۰۱۱)، ولی می‌تواند به انعطاف‌ناپذیری، هم‌نواپی و تبعیت هم منجر شود. بنابراین می‌توان گفت که کنترل‌بازداری با وجود انطباقی بودن، یک موهبت خالص نیست (دی یانگ و همکاران، ۲۰۰۲).

نگرش‌های اجتماعی مانند مشارکت، ترکیب مشابهی از مزایا و هزینه‌ها را دارد. اجتماعی بودن با اینکه به مقدار زیادی رضایت بخش است، اما باعث آسیب‌پذیر بودن افراد در مقابل تقلب و استثمار می‌شود. اجتماعی بودن همچنین دارای هزینه‌های فرصت هم هست. به عنوان مثال، با اینکه این افراد بسیار دوست‌داشتنی هستند، اما به‌ندرت در سلسله مراتب اجتماعی به جایگاه بالایی دست پیدا می‌کنند

¹Barr & Quinsey

² Angeleri, Brizio & Elena

³ Dickman

⁴ Miyake & Friedman

⁵ Peterson & Higgins

⁶ Reynolds, Ortengren, Richards & de Wit

⁷ Hansen

⁸ Pronk, Karremans & Wigboldus

(هاولی^۱، ۲۰۱۱). همچنین، هیجان‌های اخلاقی مانند گناه، شرم و خشم که رفتارهای اجتماعی را تحریک و تنظیم می‌کنند، می‌توانند برای فرد، ناتوان‌کننده و آسیب‌زننده باشند (هیت^۲، ۲۰۰۳)؛ به عنوان مثال، نودوستی مرضی، نمونه‌ای از جنبه تاریک اجتماعی بودن را نشان می‌دهد (دل‌جودیچه، ۲۰۱۴).

تبادل هزینه - سود راهبردهای آهسته، با تحقیقات در مورد انواع شخصیت بیش‌کنترل شده نشان داده شده است (بلاک^۳ و بلاک، ۱۹۸۰). این افراد در تکانشگری، انعطاف‌پذیری رفتاری، برون‌گرایی و گشودگی به تجربه در سطح پایین و در توافق و وظیفه‌شناسی، اجتماعی بودن و انتقادپذیر بودن در سطح بالایی قرار دارند. (چاپمن و گلدبرگ، ۲۰۱۱). با این حال، شواهدی وجود دارد مبنی بر اینکه که بیش‌کنترلی همبستگی بالایی با اختلالات اضطرابی و افسردگی دارد (هوپی و وایز^۴، ۱۹۹۷). با اینکه افراد بیش‌کنترل در بسیاری از حوزه‌های زندگی بسیار موفق هستند، اما از افسردگی و اختلالات اضطرابی در امان نیستند حتی اگر این اختلالات را به میزان کمتری نسبت به گروه‌های دیگر تجربه کرده باشند (مافیت و کاسپی^۵، ۲۰۰۵). هنگامی که اثرات مبهم هنجارهای رفتاری به دلیل ویژگی‌های تاریخیچه زندگی آهسته کنترل می‌شوند، با سطوح بالاتری از ناامنی اجتماعی و ویژگی شخصیتی بیش‌کنترل ارتباط پیدا می‌کند (شرمن، فیگوردو و فاندرا^۶، ۲۰۱۳).

سبب‌شناسی اختلالات روانی از منظر راهبردهای تاریخیچه زندگی

ارتباط راهبردهای تاریخیچه زندگی با بروز اختلالات روانی را می‌توان با تجزیه و تحلیل دقیق‌تر مسیرهای سببی که منجر به بروز این اختلالات می‌شوند، تکمیل کرد. با اینکه این مسیرها به طور منطقی از هم متمایزند، اما منحصربه‌فرد نیستند و ممکن است در سبب‌شناسی هر اختلالی همبودی داشته باشند (دل‌جودیچه، ۲۰۱۴). این مسیرها عبارتند از:

الف) ویژگی‌های انطباقی مرتبط با تاریخیچه زندگی و احتمال در نظر گرفته شدن آنها به عنوان علائم اختلال: گاهی اوقات ممکن است یک راهبرد قابل مشاهده، واجد ویژگی‌های انطباقی زیستی باشد ولی با این وجود، به صورت مرضی در نظر گرفته شود (نسه^۷ و جکسون^۸، ۲۰۰۶). این موضوع به احتمال زیاد با راهبردهای سریع اتفاق می‌افتد که با تمایلات آنی، استثمارگرانه، و یا پرخاشگرانه مشخص می‌شود. فنوتایپ حاصل ممکن است به عنوان یک اختلال طبقه بندی شود، حتی اگر فرایندهای ناپهنجار یا ناکارآمد را منعکس نکند. این فنوتایپ‌ها حتی اگر از نظر زیستی انطباق پیدا کرده باشند یا با محیط‌های اجدادی سازگار باشند، با این وجود هزینه‌های زیادی را از نظر تندرستی و سلامت عاطفی به وجود می‌آورند (دل‌جودیچه، ۲۰۱۴).

به عنوان مثال، فرض شده است که برخی از اشکال سایکوپاتی باید به عنوان راهبردهای انطباقی در نظر گرفته شوند، چون به این افراد اجازه می‌دهد تا با بهره‌برداری از دیگران، موفقیت در تولید مثل خود را افزایش دهند (میلی^۹، ۱۹۹۵). ولی حتی اگر یک فرد سایکوپات به طور موفقیت‌آمیزی بتواند از سازگاری زیستی بالا لذت ببرد، باز هم سایکوپاتی یک منبع مشکل‌زا برای جامعه است و به طور قانونی به عنوان یک شرط لازم برای درمان در نظر گرفته می‌شود. در چارچوب تاریخیچه زندگی، بسیاری از ناکارآمدی‌های ظاهری مرتبط با سایکوپاتی مثل فقدان همدلی، فقدان احساس گناه و تکانشگری، بهتر است به عنوان ویژگی‌های یک راهبرد بسیار سریع در نظر گرفته شوند (دل‌جودیچه، ۲۰۱۴).

یک طبقه مهم دیگر از ویژگی‌های انطباقی که ممکن است به عنوان علائم اختلال تشخیص داده شود، مکانیزم‌های دفاعی می‌باشد. دفاع‌ها به عنوان مکانیزمی طراحی شده برای محافظت از افراد در برابر آسیب‌های جسمی و یا اجتماعی تعریف شده‌اند. بیشتر احساسات منفی مانند ترس، اضطراب، انزجار و شرم می‌توانند به عنوان مکانیزم دفاعی در نظر گرفته شوند، چرا که آنها نقش حفاظتی حیاتی را در برابر خطرات فیزیکی، آلودگی توسط عوامل بیماری‌زا، محرومیت‌های اجتماعی و غیره ایفا می‌کنند (نسه و جکسون، ۲۰۰۶).

¹ Hawley

² Haidt

³ Block

⁴ Huey & Weisz

⁵ Moffitt & Caspi

⁶ Sherman & Funder

⁷ Nesse

⁸ Jackson

⁹ Mealey

ب) ویژگی‌های مرتبط با تاریخچه زندگی و احتمال بروز آنها در سطوح غیرانطباقی: ویژگی‌های فنوتایپیک که در یک محدوده خاص زیستی باهم منطبق هستند، در صورتی که از آن محدوده فراتر روند، ممکن است باهم ناسازگار باشند (نسه، ۲۰۰۴). یک صفت نابهنجار می‌تواند به دلیل ترکیبی از عوامل ارثی، اپی ژنتیک و محیطی، باعث تقویت فنوتایپ در همان جهت شود. به عنوان مثال، ممکن است فردی سطوح بالای یک صفت نابهنجار را داشته باشد در حالی که والدین او این صفت را در سطوح بالا ولی در محدوده سازگار و بهنجار داشته باشند. بنابراین، دارا بودن یک صفت خاص در والدین، می‌تواند خطر اختلالات روانی را با توجه به مقدار بالای آن صفت افزایش دهد. به طور کلی، زمانی که یک اختلال ناشی از تجلی صفات ناسازگار با واریانس مشترک ژنتیکی و یا محیطی ایجاد می‌شود، از خویشاوندان فرد مبتلا انتظار می‌رود که صفات مشابهی را به شکل ملایم و احتمالاً سازگار نشان دهند. تعارض‌های والد-فرزند و درون-ژنومی از دیگر علل احتمالی صفات ناسازگار هستند (شلومر، دل جودیچه و ایس^۱، ۲۰۱۱).

در اصل، مسیری که از سطوح بروز صفات نابهنجار به آسیب‌شناسی روانی منتهی می‌شود، ممکن است شامل صفات مربوط به هر دو تاریخچه سریع و آهسته باشد. با این حال، شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد ویژگی‌های مربوط به تاریخچه زندگی در انسانها، تمایل به شدیدتر شدن در انتهای طیف آهسته دارد (فیگوردو و ولف، ۲۰۰۹). اگر چنین باشد، اختلالاتی که شامل سطوح صفات نابهنجاری از صفات سازگار می‌باشد، باید بیشتر در ارتباط با راهبردهای آهسته رخ دهد، زیرا شباهت بین والدین این احتمال را افزایش می‌دهد که فرزندان ترکیبی از ژنوتایپهای افراطی را به ارث ببرند (دل جودیچه، ۲۰۱۴).

ج) راهبردهای انطباقی و پیامدهای نابهنجار احتمالی آنها: میزان بهنجار بودن یک ویژگی از نظر زیستی، به میزان موفقیت در تولید مثل بستگی دارد. با این حال، تمایز بین سهم سازگاری یک ویژگی یا راهبرد (در میانگین افرادی که آن را دارند)، و سازگاری یک فرد خاص مهم است، زیرا یک راهبرد رفتاری یا رشدی می‌تواند به طور متوسط افزایش یابد در حالی که هزینه‌های سازگاری زیادی را به برخی افراد تحمیل می‌کند (فرانکنهویس^۲ و دل جودیچه، ۲۰۱۲ و کاسمیدس و توبی^۳، ۱۹۹۹).

یک راهبرد را می‌توان برای بیشتر افرادی که در معرض آسیب جدی قرار دارند، انتخاب کرد به شرط اینکه خسارت‌های بالقوه با پاداش‌های برجسته برای تعداد افراد خوش‌شانس متعادل شود. به عنوان مثال، با اینکه جنگها پیامدهایی مثل نقص عضو یا حتی مرگ به دنبال دارد ولی یک راهبرد تطبیقی می‌باشد. البته نرها از مبارزات سود می‌برند چون عدم شرکت در مبارزه به معنای انصراف از تولید مثل است، ولی برای نرهای قوی موفقیت در تولید مثل، لذت‌بخش می‌باشد (دل جودیچه، ۲۰۱۴).

راهبردهای پرمخاطره منبع اصلی نتایج نابهنجار می‌باشد. خطر به عنوان تغییرات غیرقابل پیش‌بینی در پیامدها تعریف می‌گردد (فرانکنهویس و دل جودیچه، ۲۰۱۲). در حالی که برخی تصمیمات شامل طیف محدودی از پیامدهای ممکن است (ریسک کم)، برخی دیگر از تصمیمات به نتایج بسیار متغیر (ریسک بالا) با احتساب سود و زیان بالا منجر می‌شوند (دل جودیچه، ۲۰۱۴). راهبردهای پرمخاطره مانند رقابت پرخاشگرانه برای تسلط، سود بالایی را در صورت موفقیت و هزینه‌های سنگینی را در صورت شکست به بار می‌آورند. به عنوان مثال، افراد هیجان‌خواه، هم در بین زندانیان دیده می‌شود و هم در بین افراد موفق مانند دانشمندان و هنرمندان، که نشان می‌دهد هیجان‌خواهی ممکن است یک راهبرد پرمخاطره باشد (مک دونالد^۴، ۱۹۹۵).

صفات مرتبط با تاریخچه زندگی، می‌توانند افراد را در مسیرهای پرمخاطره هدایت کنند، در نتیجه احتمال نتایج نابهنجار و ناخواسته در صورت عدم موفقیت راهبرد افزایش می‌یابد. البته این موضوع به احتمال بیشتر در راهبردهای سریع اتفاق می‌افتد که در آن تمایل به افزایش مخاطره و پیگیری منافع فوری بدون در نظر گرفتن هزینه‌های بالقوه وجود دارد. اگرچه برخی افراد درگیر در راهبردهای پرمخاطره ممکن است در معرض ابتلا به اختلالات روانی قرار بگیرند، اما افراد دیگری که دارای صفات مشابه هستند ممکن است پیامدهای مطلوبی را با توجه به شانس و عوامل غیراحتمالی به دست بیاورند (دل جودیچه، ۲۰۱۴).

د) ویژگی‌های مرتبط با تاریخچه زندگی و احتمال تبدیل آسیب‌پذیری به اختلالات روانی: تمام مکانیزمهای زیستی و ساختگی صرف‌نظر از چگونگی طراحی آنها، در برابر اختلالات، محدودیت‌ها و شکست‌ها آسیب‌پذیرند (کاسمیدس و توبی، ۱۹۹۹). یک مکانیزم روانشناختی می‌تواند به دلیل اتفاقات یا پیامدهای محیطی مثل آسیب مغزی، قرار گرفتن در معرض مواد سمی، ژنتیک یا اپی ژنتیک

¹ Schlomer & Ellis

² Frankenhuis

³ Cosmides & Tooby

⁴ MacDonald

مضر و حملات یا دستکاری توسط پاتوژن‌ها، فراتر از ظرفیت تنظیمی آن عمل کند. فرآیند مستمر ظهور و حذف جهش‌های ژنتیکی مضر، تعادل انتخاب جهش^۱ نامیده می‌شود؛ که پویایی آن فراوانی و تداوم گونه‌های مضر را در یک جمعیت تعیین می‌کند. گاهی اوقات یک جهش ژنتیکی در یک مسیر بحرانی، برای ایجاد اختلال کافی است؛ ولی اغلب اختلالات ممکن است ناشی از اثر فزاینده بار جهشی^۲ (جهش‌های مضر) که هر کدام تاثیر کمی بر عملکرد فنوتایپ دارند) باشند و از آنجا که نسبت بزرگی از ژن‌ها در رشد مغز نقش دارند، این احتمال وجود دارد که بار جهشی در عملکرد مغز، تاثیر منفی داشته باشد (کلر و میلر^۳، ۲۰۰۶).

مواجهه با پاتوژن‌هایی مانند ویروس‌ها یا باکتری‌های مضر، علت دیگر اختلالات زیستی است. بیماری‌های عفونی به ویژه زمانی که در ابتدای رشد اتفاق می‌افتند، با افزایش خطر برای ابتلا به طیف وسیعی از اختلالات روانی مرتبط است (پترسون^۴، ۲۰۱۱). نقش پاتوژن‌ها در بروز اختلالات روانی، با نقش جهش‌های ژنتیکی مغایر نیست. عفونت نیز مانند جهش می‌تواند فرآیندهای رشدی را در مراحل بحرانی تحت تاثیر قرار دهد. بار جهش و بار پاتوژن ممکن است بر روی همان مسیرهای زیستی-عصبی متمرکز شوند و تاثیر فزاینده‌ای بر احتمال بروز اختلالات روانی داشته باشد (دل جودیچه، ۲۰۱۴).

با اینکه ویژگی‌های تاریخیچه زندگی برای افزایش سازگاری طراحی شده‌اند، اما می‌توانند آسیب‌پذیری به برخی از انواع اختلالات را به عنوان یک عارضه جانبی افزایش دهند. همچنین، ویژگی‌های مرتبط با راهبردهای سریع مانند خطرپذیری و عدم به تعویق انداختن عواطف ممکن است به طور غیرمستقیم باعث افزایش قرار گرفتن فرد در برابر عوامل محیطی مانند پاتوژن‌ها شود. در نهایت، سیستم‌های دفاعی تقویت شده نه تنها در برابر اشتباهات حساسیت پیدا می‌کنند، بلکه در برابر اختلالات هم آسیب‌پذیرتر می‌شوند (نسه، ۲۰۰۱).

بحث و نتیجه‌گیری

محققان روانشناسی تکاملی برای غلبه بر وضعیت فعلی سیستم طبقه‌بندی نظری ویژگی‌های شخصیتی، رفتاری و اختلالات روانی، تلاش می‌کنند که زمینه‌ای را برای درک یکپارچه و تجربی این ویژگی‌ها و اختلالات فراهم کنند. در این مقاله، یک چارچوب مفهومی کلی برای تحلیل ویژگی‌های شخصیتی، رفتاری و اختلالات روانی بر اساس اصول نظریه تاریخیچه زندگی و تمایز میان طیف سریع و آهسته راهبردهای تاریخیچه زندگی، و با در نظر گرفتن عوامل استرس‌زای زیست-محیطی و تعامل بین عوامل خطر و عوامل محافظتی ارائه شده است که می‌تواند به طرز محسوس در گستره وسیعی از شرایط اعمال شود. از محدودیت‌های این مقاله، عدم بررسی اختلالات روانی به صورت مجزا بر اساس دیدگاه نظریه تاریخیچه زندگی می‌باشد، بنابراین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌ها و مقالات آتی، آن دسته از اختلالات روانی که قابل تبیین با نظریه تاریخیچه زندگی می‌باشد، مورد بررسی قرار بگیرد.

منابع

- Ahlström, T. (2011). Life-history theory, past human populations and climatic perturbations. *International Journal of Osteoarchaeology*, 21(4), 407-419.
- Barr, K. N., & Quinsey, V. L. (2004). *Is psychopathy pathology or a life strategy?* Implications for social policy. In C. Crawford & C. Salmon (Eds.), *Evolutionary psychology, public policy and personal decisions* (pp. 293-317). Mahwah, NJ: Erlbaum
- Belsky, J. (2012). The development of human reproductive strategies: Promises and prospects. *Current Directions in Psychological Science*, 21, 310-316.
- Block, J. H., & Block, J. (1980). *The role of ego-control and egoresiliency in the organization of behavior*. In W. A. Collins (Ed.), *Minnesota Symposia on Child Psychology—Vol. 13* (pp. 39-101). Mahwah, NJ: Erlbaum.
- Bolger, D. (Ed.). (2012). *Wiley Blackwell Companions to Anthropology Ser: A Companion to Gender Prehistory (1)*. Somerset, US: Wiley-Blackwell.
- Borowsky, I. W., Ireland, M., & Resnick, M. D. (2009). Health status and behavioral outcomes for youth who anticipate a high likelihood of early death. *Pediatrics*, 124, e81.
- Braendle, C., Heyland, F., & Flatt, T. (2011). *Integrating mechanistic and evolutionary analysis of life history variation*. In T. Flatt & F. Heyland (Eds.), *Mechanisms of life history evolution. The genetics and physiology of life history traits and trade-offs* (pp. 3-10). New York, NY: Oxford University Press.

¹ mutation-selection balance

² mutation load

³ Keller & Miller

⁴ Patterson

- Chapman, B. P., & Goldberg, L. R. (2011). Replicability and 40-year predictive power of childhood ARC types. *Journal of Personality and Social Psychology*, 101, 593–606.
- Cosmides, L., & Tooby, J. (1999). Toward an evolutionary taxonomy of treatable conditions. *Journal of Abnormal Psychology*, 108, 453–464.
- Del Giudice, M. (2014). An Evolutionary Life History Framework for Psychopathology. *Psychological Inquiry*, 25: 261–300.
- Del Giudice, M. (2012). Sex ratio dynamics and fluctuating selection on personality. *Journal of Theoretical Biology*, 297, 48–60.
- Del Giudice, M., Angeleri, R., Brizio, A., & Elena, M. R. (2010). The evolution of autistic-like and schizotypal traits: A sexual selection hypothesis. *Frontiers in Psychology*, 1, 41.
- DeYoung, C. G. (2006). Higher-order factors of the Big Five in a multi-informant sample. *Journal of Personality and Social Psychology*, 91, 1138–1151.
- DeYoung, C. G. (2011). *Impulsivity as a personality trait*. In K. D. Vohs & R. F. Baumeister (Eds.), *Handbook of self-regulation* (2nd ed., pp. 485–504). New York, NY: Guilford.
- DeYoung, C. G., Peterson, J. B., & Higgins, D. M. (2002). Higher-order factors of the Big Five predict conformity: Are there neuroses of health? *Personality and Individual Differences*, 33, 533–552.
- Dickman, S. J. (1990). Functional and dysfunctional impulsivity: Personality and cognitive correlates. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58, 95–102.
- Figueredo, A. J., Cabeza de Baca, T., & Woodley, M. A. (2012). The measurement of human life history strategy. *Personality and Individual Differences*, 55, 251–255.
- Figueredo, A. J., Gladden, P. R., & Beck, C. J. A. (2012). *Intimate partner violence and life history strategy*. In T. H. Shackelford, & A. T. Goetz (Eds.), *The Oxford handbook of sexual conflict in humans* (pp. 72–99). New York, NY: Oxford University Press.
- Figueredo, A. J., & Wolf, P. S. A. (2009). Assortative pairing and life history strategy: A cross-cultural study. *Human Nature*, 20, 317–330.
- Flatt, T., & Heyland, A. (Eds.). (2011). *Mechanisms of Life History Evolution: The Genetics and Physiology of Life History Traits and Trade-Offs*. Oxford, GB: OUP Oxford.
- Frankenhuis, W. E., & Del Giudice, M. (2012). When do adaptive developmental mechanisms yield maladaptive outcomes? *Developmental Psychology*, 48, 628–642.
- Haidt, J. (2003). *The moral emotions*. In R. J. Davidson, R. J. Scherer, & H. H. Goldsmith (Eds.), *Handbook of affective sciences* (pp. 852–870). Oxford, UK: Oxford University Press.
- Hansen, S. (2011). Inhibitory control and empathy-related personality traits: Sex-linked associations. *Brain and Cognition*, 76, 364–368.
- Hawley, P. H. (2011). *The role of competition and cooperation in shaping personality: An evolutionary perspective on social dominance, Machiavellianism, and children's social development*. In D. M. Buss & P. H. Hawley (Eds.), *The evolution of personality and individual differences* (pp. 61–85). Oxford, UK: Oxford University Press.
- Holtzman, N. S., & Strube, M. J. (2013). Above and beyond short-term mating, long-term mating is uniquely tied to human personality. *Evolutionary Psychology*, 11, 1101–1129.
- Huey, S. J., Jr., & Weisz, J. R. (1997). Ego control, ego resiliency, and the five-factor model as predictors of behavioral and emotional problems in clinic-referred children and adolescents. *Journal of Abnormal Psychology*, 106, 404–415.
- Just, C. (2011). A review of literature on the general factor of personality. *Personality and Individual Differences*, 50, 765–771.
- Keller, M. C., & Miller, G. (2006). Resolving the paradox of common, harmful, heritable mental disorders: Which evolutionary genetic models work best? *Behavioral and Brain Sciences*, 29, 385–452.
- Lucas, R. E., Deiner, E., Grob, A., Suh, E. M., & Shao, L. (2000). Cross-cultural evidence for the fundamental features of extraversion. *Journal of Personality and Social Psychology*, 79, 452–468.
- MacDonald, K. B. (1995). Evolution, the 5-factor model, and levels of personality. *Journal of Personality*, 63, 525–567.
- Mealey, L. (1995). The sociobiology of sociopathy: An integrated evolutionary model. *Behavioral and Brain Sciences*, 18, 523–541.
- Miyake, A., & Friedman, N. P. (2012). The nature and organization of individual differences in executive functions: Four general conclusions. *Current Directions in Psychological Science*, 21, 8–14.
- Moffitt, T. E., & Caspi, A. (2005). *Life-course persistent and adolescence-limited antisocial males: Longitudinal follow up to adulthood*. In D. M. Stoff & E. J. Susman (Eds.), *Developmental psychobiology of aggression* (pp. 161–186). Cambridge, UK: Cambridge University Press.
- Nesse, R. M. (2001a). On the difficulty of defining disease: A Darwinian perspective. *Medicine, Health Care and Philosophy*, 4, 37–46.
- Nesse, R. M. (2004b). Natural selection and the elusiveness of happiness. *Philosophical Transactions of the Royal Society of London B*, 359, 1333–1347.
- Nesse, R. M., & Jackson, E. D. (2006). Evolution: Psychiatric nosology's missing biological foundation. *Clinical Neuropsychiatry*, 3, 121–131.
- Nettle, D. (2011). *Evolutionary perspectives on the five-factor model of personality*. In D. M. Buss, & P. H. Hawley (Eds.), *The evolution of personality and individual differences* (pp. 5–28). Oxford, UK: Oxford University Press.

- Nettle, D., & Clegg, H. (2006). Schizotypy, creativity and mating success in humans. *Proceedings of the Royal Society of London B*, 273, 611–615.
- Patterson, P. H. (2011). *Infectious behavior: brain-immune connections in autism, schizophrenia, and depression*. Cambridge, MA: MIT Press.
- Preston, S. D., Kringelbach, M. L., & Knutson, B. (2014). *The Interdisciplinary Science of Consumption*. Cambridge, US: The MIT Press.
- Pronk, T. M., Karremans, J. C., & Wigboldus, D. H. J. (2011). How can you resist? Executive control helps romantically involved individuals to stay faithful. *Journal of Personality and Social Psychology*, 100, 827–837.
- Reynolds, B., Ortengren, A., Richards, J. B., & de Wit, H. (2006). Dimensions of impulsive behavior: Personality and behavioral measures. *Personality and Individual Differences*, 40, 305–315.
- Rushton, J. P., Bons, T. A., & Hur, Y.-M. (2008). The genetics and evolution of a general factor of personality. *Journal of Research in Personality*, 42, 1173–1185.
- Sæther, B.-E. (1987). The influence of body weight on the covariation between reproductive traits in European birds. *Oikos*, 48, 79–88.
- Schlomer, G. L., Del Giudice, M., & Ellis, B. J. (2011). Parent-offspring conflict theory: An evolutionary framework for understanding conflict within human families. *Psychological Review*, 118, 496–521.
- Sherman, R. A., Figueredo, A. J., & Funder, D. C. (2013). The behavioral correlates of overall and distinctive life history strategy. *Journal of Personality and Social Psychology*, 105, 873–888.
- Wolf, M., van Doorn, G. S., Leimar, O., & Weissing, F. J. (2007). Life-history trade-offs favour the evolution of animal personalities. *Nature*, 447, 581–585.



شپرشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شپوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی